یادداشت



مجید جلالی
کارشناس فوتبال

## جوانگرایی مهمتر از جام ملت‌ها

تغییر نسل در تیم ملی فوتبال ایران، تصمیمی است که نمی‌توان آن را به چند بازی و یک تورنمنت محدود کرد. حضور بازیکنان جوان در رقابت‌های بصره، نشانه‌ای امیدوارکننده از آغاز این مسیر بود، اما جوانگرایی زمانی به پروژه‌ای موفق تبدیل می‌شود که با برنامه‌ریزی بلندمدت، اعتماد مستمر و اصلاح ساختار فنی فوتبال ایران همراه باشد.

تورنمنت بصره را می‌توان دوره‌ای انتقالی برای تیم ملی دانست؛ رقابت‌هایی که در آن گروه خوبی از بازیکنان جوان کنار یکدیگر قرار گرفتند و امیدوارکننده ظاهر شدند. البته عملکرد این نفرات نباید باعث شود از کمبودهای موجود در برخی پست‌ها غافل شویم. تیم ملی همچنان به بررسی بیشتر، آزمایش بازیکنان جدید و بویژه جذب نفراتی خلاق در زمین نیاز دارد. فوتبال ایران برای عبور از شرایط فعلی به بازیکنانی احتیاج دارد که بتوانند در لحظات دشوار جریان بازی را تغییر دهند.

جوانگرایی اخیر حرکت مثبتی بود، اما این مسیر باید از پایه آغاز شود. بازیکنان جوان باید در رده‌های سنی مختلف و مسابقات بین‌المللی مقابل حریفان قدرتمند قرار بگیرند تا به‌تدریج با فشار مسابقه آشنا شوند. اعتماد به جوانان و فرصت دادن به آنها، زمینه شکوفایی استعدادهایی را فراهم می‌کند که آینده فوتبال ایران به توانایی‌هایشان وابسته است.

نکته مهم، تعیین هدف اصلی این پروژه است. آیا نگاه فدراسیون و کادرفنی تنها معطوف به موفقیت در جام ملت‌های آسیاست یا باید جام جهانی ۲۰۳۰ را هدف اصلی قرار داد؟ اگر جام ملت‌ها اولویت مطلق باشد، احتمال عقب‌نشینی از سیاست جوانگرایی و بازگشت به ترکیب‌های باتجربه افزایش می‌یابد؛ تصمیمی که شاید نتیجه کوتاه‌مدتی داشته باشد، اما هزینه آن را فوتبال ایران در سال‌های آینده خواهد پرداخت. هدفگذاری برای جام جهانی ۲۰۳۰، فرصت کافی برای ساختن تیمی جوان و هماهنگ در اختیار کادرفنی قرار می‌دهد.

چنین برنامه‌ای بدون وجود یک مرجع فنی و سیاست‌گذار قدرتمند امکان‌پذیر نیست. فوتبال ایران به نهادی نیاز دارد که با کار کارشناسی، راهبرد آینده را مشخص کند و میان رده‌های سنی مختلف پیوستگی ایجاد کند. توسعه فوتبال پروژه‌ای یکجانبه نیست و تمام ارکان آن، از پایه تا رأس فدراسیون، باید همسو حرکت کنند.

تیم ملی همچنین به حداقل سه یا چهار مسابقه تدارکاتی در سال مقابل تیم‌های بزرگ نیاز دارد. حتی شکست مقابل این حریفان نباید مانع تکرار چنین بازی‌هایی شود، چراکه تجربه بین‌المللی برای رشد بازیکنان جوان ضروری است.

کادرفنی نیز به تقویت نیاز دارد. اضافه شدن مربی بدنساز اسپانیایی اتفاق مثبتی است، اما سایر بخش‌های کادر هم باید بازنگری شوند. الزاماً نیازی به مربی خارجی نیست؛ یک مربی باتجربه با دانش روز می‌تواند در پرورش این نسل نقش مهمی داشته باشد. جوانگرایی باید پروژه‌ای پیوسته باشد، نه تصمیمی مقطعی و نتیجه‌محور.

یادداشت



بهتاش فریبا
بازیکن پیشین تیم ملی فوتبال

## تیم ملی در مسیر پوست‌اندازی

تغییر نسل در تیم ملی فوتبال، مسیری زمانبر است که موفقیت در آن به صبر، اعتماد و فرصت بازی نیاز دارد. حضور جوانان در تورنمنت بصره را باید شروع پوست‌اندازی دانست؛ تصمیمی که اگر با برنامه‌ریزی و افزایش تدریجی سهم بازیکنان جوان همراه شود، می‌تواند آینده متفاوتی برای فوتبال ایران بسازد.

بازیکنان جوان در کنار نفرات باتجربه‌ای مانند سردار آزمون و سعید عزت‌اللهی می‌توانند در جام ملت‌های آسیا نقش مؤثری داشته باشند. نکته مهم این است که فدراسیون و کادرفنی باید سیاست جوانگرایی را ادامه دهند و طبق برنامه، سرعت این تغییر نسل را افزایش دهند. تعویق یک‌ساله جام ملت‌ها نیز فرصت ارزشمندی برای تجربه‌اندوزی نسل جدید فراهم کرده است. اگرچه تعدادی از بازیکنان دعوت شده لژیونر هستند و برخی دیگر در باشگاه‌های خود جایگاه ثابتی دارند، حضور در تیم ملی به تجربه بیشتری نیاز دارد. آنها باید مقابل حریفان قدرتمندتری قرار گیرند تا فشار مسابقات بین‌المللی را تجربه کنند و برای رقابت‌های بزرگ آماده شوند. عملکرد تیم ملی در بازی اخیر نیز نشان داد این نسل هنوز به زمان نیاز دارد. دریافت گل در دقایق ابتدایی و از دست دادن پنج موقعیت گل، نقاط ضعفی بود که با گلزنی در لحظات پایانی تا حدودی جبران شد. بازیکنانی مانند جواد حسین‌نژاد، حسین گودرزی، افشین صادقی و محمدمهدی محبی نشانه‌های امیدوارکننده‌ای داشتند، اما برای رسیدن به پختگی باید فرصت بیشتری پیدا کنند. انتظار از بازیکنان باتجربه‌ای مانند علی نعمتی، محمد محبی، سردار آزمون و سعید عزت‌اللهی نیز بالاتر است. با وجود ضعف‌ها و کمبودهای موجود، نباید درباره اصل جوانگرایی تردید کرد. بازیکنان جوان در کنار باتجربه‌ها می‌توانند در جام ملت‌ها ترکیب مؤثری بسازند. البته انتخاب نفرات باتجربه باید با دقت انجام شود؛ بازیکنانی در محدوده سنی ۳۰ تا ۳۱ سال که همچنان توانایی بدنی و فنی لازم برای همراهی تیم را داشته باشند. در کنار پوست‌اندازی ترکیب تیم، کادرفنی نیز به تقویت نیاز دارد. با توجه به نبود آندو تیموریان و هومن افاضلی، حضور دو مربی باتجربه و برخوردار از دانش روز می‌تواند به ارتقای کیفیت فنی تیم کمک کند. جوانگرایی زمانی به نتیجه می‌رسد که هم بازیکنان و هم کادرفنی متناسب با اهداف آینده تغییر کنند.

«ایران» ضرورت تداوم جوانگرایی و بازسازی کادر فنی تیم ملی فوتبال را بررسی می‌کند

# آسیا با نسخه دیروز فتح نمی‌شود

**سینا حسینی/** تورنمنت چهارجانبه بصره در فیفادی نوامبر ۲۰۲۶ فرصتی برای ارزیابی یکی از ضرورت‌های دیرینه فوتبال ایران بود؛ جوانگرایی و عبور تدریجی از نسلی که بخش مهمی از دوران ملی خود را پشت سر گذاشته است. پیروزی دو بر صفر مقابل فلسطین در اولین مسابقه و تساوی برابر عراق در دیدار دوم، در شرایطی رقم خورد که تیم ملی با ترکیبی جوان‌تر به میدان رفت و در پایان نیز عنوان قهرمانی را به دست آورد. این نتایج اگرچه به‌تنهایی معیار قضاوت درباره کیفیت فنی تیم ملی نیست، اما نشانه‌ای امیدوارکننده از ظرفیت نسل جدید فوتبال ایران است؛ نسلی که برای اثبات توانایی‌های خود بیش از هر چیز به اعتماد و فرصت نیاز دارد.

امیر قلعه‌نویی اکنون باید تکلیف خود را با سیاست جوانگرایی روشن کند. دیگر نمی‌توان با اتکا به تجربه گذشته و نام‌های آشنا، فرصت حضور در تیم ملی را همچنان در اختیار بازیکنانی قرار داد که از نظر سنی و شرایط بدنی به سال‌های پایانی دوران حرفه‌ای خود نزدیک شده‌اند. قلعه‌نویی نباید دوباره به سراغ نسل پا به سن گذاشته‌ها برود و با دعوت‌های تکراری، مسیر ورود استعدادهای جوان را مسدود کند. تیم ملی برای حضور قدرتمند در جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۸ به بازیکنانی نیاز دارد که علاوه بر توانایی فنی، از انگیزه، آمادگی جسمانی و ظرفیت پیشرفت برخوردار باشند. نمی‌توان از آینده فوتبال ایران سخن گفت، اما همچنان در انتخاب بازیکنان به گذشته تکیه کرد.

جوانگرایی با چند دعوت مقطعی و حضور در تورنمنت‌های دوستانه محقق نمی‌شود. کادر فنی باید به بازیکنان جوان فرصت واقعی بازی بدهد و در مسابقات دشوار نیز به آنها اعتماد کند. اگر قرار باشد با کوچک‌ترین اشتباه، جوان‌ها از ترکیب خارج شوند و جای خود را دوباره به بازیکنان باتجربه اما کم‌تحرک بدهند، سیاست جوانگرایی خیلی زود به شعاری بی‌اثر تبدیل خواهد شد. تیم ملی برای عبور از این مسیر به شجاعت تصمیم‌گیری و ثبات در انتخاب‌ها نیاز دارد. در کنار این ضرورت، تقویت کادر فنی نیز باید در دستور کار قرار بگیرد. فاصله زمانی باقی‌مانده تا جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۸ فرصتی ارزشمند است که نباید با آزمون و خطاهای تکراری از دست برود. تیم ملی برای شناسایی و برطرف کردن نقاط ضعف خود به دستیاران متخصص، آنالیزورهای توانمند و نیروهای فنی آشنا با دانش روز فوتبال نیاز دارد. ضعف‌های ساختاری در خط دفاع، کیفیت انتقال توپ، تنوع تاکتیکی و هماهنگی خطوط باید با ارزیابی دقیق شناسایی شوند و برای اصلاح آنها برنامه‌ریزی شود. موفقیت در جام ملت‌ها با تکیه بر نام سرمربی یا توانایی فردی چند بازیکن به دست نمی‌آید؛ بلکه حاصل یک مجموعه فنی منسجم و برنامه‌ریزی‌شده است. سرمربی حال حاضر هنوز فرصت دارد تیمی متفاوت و متناسب با نیازهای فوتبال امروز آسیا بسازد، اما این فرصت نباید با محافظه‌کاری و بازگشت به انتخاب‌های گذشته هدر برود. تورنمنت بصره می‌تواند نقطه آغاز یک تغییر جدی باشد؛ تغییری که در آن جوانگرایی نه یک انتخاب مقطعی، بلکه سیاستی ثابت و غیرقابل بازگشت باشد. فوتبال ایران برای موفقیت در ۲۰۲۸ به نسلی تازه، کادر فنی تقویت‌شده و جسارت عبور از گذشته نیاز دارد.

جلال چراغپور، سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

# جوانگرایی تیم ملی تیغ دولبه است

**مهری رنجبر/ قهرمانی تیم ملی فوتبال ایران در تورنمنت چهارجانبه بصره و میدان دادن به بازیکنان جوان، اولین گام برای تغییر نسل در آستانه جام ملت‌های آسیاست؛ اتفاقی که در نگاه اول می‌تواند امیدوارکننده باشد، اما کیفیت حریفان و عملکرد فنی ملی‌پوشان، ارزیابی این دستاورد را با تردیدهایی جدی مواجه می‌کند. جلال چراغپور، کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «ایران» معتقد است تیم ملی حتی با حضور بازیکنان جوان نیز همان فوتبال بدون مهارت و فاقد ساختار مشخص گذشته را به نمایش گذاشت و نتایج بصره نمی‌تواند ملاک مناسبی برای قضاوت درباره آینده این تیم باشد. او با هشدار درباره حذف شتاب‌زده بازیکنان باتجربه، بر ضرورت به‌روزرسانی دانش کادر فنی و برگزاری مسابقات تدارکاتی با حریفان قدرتمند تأکید دارد.**



منبع: فدراسیون فوتبال ایران

**قهرمانی تیم ملی با حضور بازیکنان جوان در تورنمنت بصره را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا این مسابقات توانست تصویر روشنی از آینده تیم ملی ارائه دهد؟**

برای ارزیابی دقیق این تورنمنت باید چند متغیر را در نظر بگیریم که به نظرم در تحلیل‌های اولیه چندان به آنها توجه نشد. اولین موضوع، کیفیت حریفان تیم ملی بود. باید ببینیم مقابل چه تیم‌هایی بازی کردیم و این تیم‌ها چه سطحی از فوتبال را ارائه می‌دادند. حریف اول ما فلسطین بود که یک بازیکن اخراجی هم داشت. کیفیت فوتبال این تیم در سطحی نبود که بتوانیم از این مسابقه ارزیابی فنی دقیقی داشته باشیم. تا پیش از اخراج بازیکن فلسطین، نتیجه صفر بر صفر بود و تیم ملی هم تعویض‌های خود را انجام داد. به اعتقاد من، اگرچه دو تیم در زمین حضور داشتند، اما فوتبال چندان قابل توجهی ندیدیم. در بازی دوم مقابل عراق نیز باید به جزئیات توجه کنیم. تیم ملی در همان دقیقه اول گل خورد؛ اتفاقی که خودش نیازمند تحلیل است. بازیکنان عراق بیش از سه بار با دروازه‌بان ما تک‌به‌تک شدند. این آمار را نمی‌توان در ارزیابی خط دفاعی نادیده گرفت. دفاع ایران اشکالات جدی دارد و به کار بیشتری نیازمند است. گل تیم ملی هم از روی ضربه کرنر به ثمر رسید و حتی مدافع میانی ما گلزنی کرد. وقتی تحلیل را عمیق‌تر و علمی‌تر انجام می‌دهیم، باید تعداد شوت‌های حریف، مهارهای دروازه‌بان، موقعیت‌های تک‌به‌تک و دفعات عبور مهاجمان از خط دفاعی را بررسی کنیم. با چنین شاخص‌هایی، تیم ملی در دو مسابقه بصره نمره قبولی نمی‌گیرد. البته اگر با نگاه عمومی و نتیجه‌محور به مسابقات نگاه کنیم، می‌توان گفت این تورنمنت برای شروع بد نبود و فرصت شناخت تعدادی از بازیکنان جوان فراهم شد. اما آیا شکل و شمایل بازی تیم ملی تغییر کرده است؟ خیر. ساختار تیمی ما همچنان مشخص نیست. تیم در زمین مانند ابری حرکت می‌کند که شکل ثابتی ندارد. برنامه تاکتیکی و الگوی مشخصی برای حمله نمی‌بینیم. در بعضی پست‌ها هم عملکرد بازیکنان نگران‌کننده است. برای مثال، دفاع راست تیم ملی عملکرد خوبی نداشت. حردانی گاهی تصور می‌کند یک وینگر راست است، در حالی که ابتدا باید وظایف یک فول‌بک را انجام دهد و مراقب فضای پشت سرش باشد. چندین بار توپ به او رسید و سانترهایش به جای ایجاد موقعیت، به پاس‌های رو به عقب و بیرون تبدیل شد. اگر بخواهم جمع‌بندی فنی داشته باشم، تیم ملی همان فوتبال همیشگی را بازی کرد؛ با این تفاوت که بازیکنان قدیمی مهارت بیشتری داشتند و بازیکنان جوان فعلی از نظر مهارتی فاصله محسوسی با آنها دارند.

**با توجه به عملکرد جوانان، آیا می‌توان به این بازیکنان اعتماد کرد و امیدوار بود تا جام ملت‌های آسیا شرایط تیم بهتر شود؟**

این بازیکنان به چکش‌کاری و کسب تجربه نیاز دارند تا به یک تیم واقعی تبدیل شوند. چکش‌کاری هم با تمرینات معمولی اتفاق نمی‌افتد؛ آنها باید مسابقات تدارکاتی مناسبی داشته باشند؛ البته منظورم هر مسابقه‌ای نیست. حریف تدارکاتی باید از سطح استانداردی برخوردار باشد تا بازیکنان بتوانند توانایی‌های خود را در برابر یک تیم قدرتمند محک بزنند. وقتی حریف ما در اندازه فوتبال محلات باشد، پیروزی مقابل آن امتیاز فنی چندانی برای تیم ملی ندارد. در کشتی، حریف تمرینی باید از نظر وزن و توانایی متناسب با کشتی‌گیر باشد. نمی‌توان کسی را که اختلاف سطح زیادی با کشتی‌گیر دارد، ملاک ارزیابی قرار داد؛ در فوتبال هم همین قاعده وجود دارد.

تیم‌های بزرگ دنیا مقابل برزیل و دیگر قدرت‌های فوتبال بازی می‌کنند، اما ما به سراغ حریفان سطح پایین می‌رویم و تازه مقابل همان تیم‌ها هم ضعف داریم. باید از آمار و نتیجه فاصله بگیریم و کیفیت واقعی بازی تیم ملی را ملاک قرار دهیم. اگر می‌خواهیم جوانان پیشرفت کنند، باید آنها را در شرایط مسابقه‌ای دشوار قرار دهیم.

**به نظر شما کادر فنی باید مسیر جوانگرایی را ادامه دهد یا احتمال بازگشت به بازیکنان باتجربه وجود دارد؟**

احساس من این است که در بعضی از پست‌ها ناچار به بازگشت بازیکنان قدیمی خواهیم شد. بهتر است آنها را به‌طور کامل از دست ندهیم. در برخی پست‌ها فاصله میان بازیکنان باتجربه و نفرات جایگزین بسیار زیاد است و این موضوع خطرناک به نظر می‌رسد. برای مثال، جایگزین علیرضا جهانبخش در ابتدایی‌ترین مهارت‌ها، از جمله زمان‌بندی پاس، کیفیت سانتر، ارسال پاس رو به جلو، دوندگی و توپ‌گیری، فاصله زیادی با او دارد. در بعضی پست‌ها نیز شرایط مشابهی داریم. بازیکنانی مانند قدوس و قلی‌زاده تجربه و توانایی‌هایی دارند که جایگزین‌های فعلی هنوز به آنها نزدیک نشده‌اند. نمی‌توانیم بازیکنی را که ۸۰ درصد توانایی یک بازیکن باتجربه را دارد کنار بگذاریم و فردی را جایگزین کنیم که تنها ۲۵ درصد آن کیفیت را ارائه می‌دهد. قرار نیست با دو یا سه مسابقه چنین فاصله‌ای جبران شود. تعداد بازیکنانی که از نظر مهارتی در سطح ۲۵ درصدی قرار دارند، در تیم ملی کم نیست. کادر فنی باید برای این مسأله فکر اساسی کند. راهکار هم برگزاری مسابقات تدارکاتی بیشتر و حفظ تعادل میان جوانگرایی و استفاده از بازیکنان باتجربه است.



**با جدایی آندو تیموریان و هومن افاضلی، آیا کادر فنی تیم ملی به تقویت و تغییرات بیشتری نیاز دارد؟**

به اعتقاد من، دکتر را باید دکتر برد! شاید حالا که فرصت داریم، فدراسیون فوتبال بتواند اعضای کادر فنی را در دوره‌های بین‌المللی فیفا در آلمان یا هلند شرکت دهد. وقتی کارشناسان داخلی درباره ضعف‌های فوتبال ایران صحبت می‌کنند، گاهی به آنها اتهام غرض‌ورزی می‌زنند یا می‌گویند بیرون گود نشسته‌اند و انتقاد می‌کنند. راه بهتر این است که مربیان خودمان در دوره‌های معتبر شرکت کنند و ببینند فوتبال روز دنیا چگونه تحلیل و آموزش داده می‌شود. باید بدانند فوتبال مدرن چه تعریفی دارد، فوتبال هیجانی چیست و موقعیت‌های بازی چگونه شکل می‌گیرند. وقتی بازیکنی مانند سعید عزت‌اللهی با قد ۱۹۰ سانتی‌متر، در یک درگیری هوایی روی زمین می‌افتد و پایش را می‌گیرد، باید درباره نوع نگاه و آموزش فوتبال در تیم ملی پرسش کرد. مربیان ما باید فوتبال آلمان و هلند را ببینند و تفاوت‌های آن را با فوتبال خودمان درک کنند. اگر آن فوتبال استاندارد است، باید بپرسیم فوتبال ما چه جایگاهی دارد؟

همه اتفاقات همیشه به سود ما پیش نمی‌رود. نمی‌توان با تکیه بر چنین نتایجی تصور کرد مشکلات تیم ملی برطرف شده است. جوانگرایی لازم است، اما بدون برنامه آموزش مسابقات تدارکاتی و استاندارد و حفظ تجربه ممکن است به جای تقویت تیم ملی فاصله‌های تازه‌ای در آن ایجاد کند

**بنابراین به‌روزرسانی دانش مربیان را یکی از ضرورت‌های اصلی فوتبال ایران می‌دانید؟**

قطعاً. بسیاری از مربیان فعلی تیم ملی در حدود ۴۰ سال پیش فوتبال بازی می‌کردند. فوتبال ایران در آن زمان شرایط بهتری داشت، چون این اندازه از فوتبال روز دنیا عقب نبودیم. آن روزها تیم ملی برزیل به تهران می‌آمد و بازیکنانی مانند پله را در ورزشگاه می‌دیدیم. امروز اما فاصله فوتبال ما با دنیا بسیار زیاد شده است. تیم‌های پایه، امید و بزرگسالان ما از نظر فنی و آموزشی عقب افتاده‌اند. حتی کمیته آموزش فدراسیون هم باید خودش را به‌روز کند. زمانی مدرسان بین‌المللی در کشورهای مختلف دوره برگزار می‌کردند و نوبت ایران هم می‌رسید. امروز که چنین دوره‌هایی کمتر در کشور برگزار می‌شود، چه اشکالی دارد مربیان ما در کلاس‌های معتبر خارجی شرکت کنند؟ این دوره‌ها می‌تواند نگاه آنها به فوتبال را تغییر دهد و دانش تازه‌ای در اختیارشان بگذارد.

**با توجه به فرصت باقی‌مانده تا جام ملت‌های آسیا، آیا زمان کافی برای بازسازی تیم ملی وجود دارد؟**

فرصت یک ساله باقی‌مانده تا جام ملت‌های آسیا برای فوتبال ایران یک پارادوکس است؛ هم نکته مثبت دارد و هم منفی. نکته مثبت، فرصت زمانی برای آماده‌سازی و اصلاح ایرادهای تیم است. نکته منفی این است که وقتی فشار مسابقات و رقابت‌ها کمتر می‌شود، ممکن است تیم‌ها از نظر آمادگی و کیفیت بازی دچار افت شوند. با اینکه همه تیم‌ها در این فاصله به فکر جوانسازی می‌افتند و این روند می‌تواند یک تیغ دولبه باشد.

ما تیم ملی را از نو نساخته‌ایم، بلکه آن را ترمیم کرده‌ایم؛ این دو با هم تفاوت دارند. تصور کنید ساختمانی داریم که بخشی از آن را تخریب می‌کنیم و قسمت جدیدی می‌سازیم. ممکن است بافت قدیمی و جدید با یکدیگر هماهنگ نشوند و ساختمان از همان نقطه آسیب ببیند. تیم ملی هم شرایط مشابهی دارد؛ وقتی بخشی از ساختار قبلی را کنار می‌گذاریم و بازیکنان جوان را جایگزین می‌کنیم، باید مطمئن باشیم که این دو نسل می‌توانند در کنار هم یک مجموعه هماهنگ بسازند. برای مثال، وقتی مهدی طارمی در خط حمله حضور ندارد، جایگزین او هنوز چند سطح با کیفیت و توانایی‌هایش فاصله دارد. با این کیفیت مسابقات تدارکاتی، نمی‌توانیم چنین فاصله‌ای را جبران کنیم و تیم را به شرایط مطلوب برسانیم. به اعتقاد من دو اقدام ضروری است؛ اول اینکه کادر فنی باید دانش خود را با حضور در دوره‌های معتبر بین‌المللی به‌روز کند تا بتواند فوتبال مدرن را به بازیکنان آموزش دهد. دوم اینکه نباید بازیکنان باتجربه را بی‌محابا کنار بگذاریم. باید آنها را حفظ کنیم تا اگر طرح جوانسازی به نتیجه نرسید، تیم ملی بدون پشتوانه نماند.

نباید فراموش کنیم که در تورنمنت بصره هم چند اتفاق به کمک تیم ملی آمد. اگر نیازمند آن موقعیت‌های تک‌به‌تک را مهار نمی‌کرد یا اتفاق مربوط به پنالتی حردانی به شکل دیگری رقم می‌خورد، ممکن بود نتیجه بازی عراق متفاوت باشد. همه اتفاقات همیشه به سود ما پیش نمی‌رود. نمی‌توان با تکیه بر چنین نتایجی تصور کرد مشکلات تیم ملی برطرف شده است. جوانگرایی لازم است، اما بدون برنامه، آموزش، مسابقات تدارکاتی استاندارد و حفظ تجربه، ممکن است به جای تقویت تیم ملی، فاصله‌های تازه‌ای در آن ایجاد کند.

مهدی پاشازاده، مدافع پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

# دیگر هیچ کس در تیم ملی حاشیه امن ندارد



**پریسا غفاری/** قهرمانی در تورنمنت بصره، برای تیم ملی فوتبال ایران فراتر از بالا بردن یک جام، فرصتی برای نمایش ظرفیت نسل تازه‌ای بود که حالا در کنار ستاره‌ها و بازیکنان باتجربه به دنبال تثبیت جایگاه خود است. نمایش ملی‌پوشان در این رقابت‌ها، بویژه ترکیب جوانی و تجربه در زمین مسابقه، نشانه‌هایی امیدوارکننده از آینده فوتبال ایران داشت؛ هرچند برای تداوم این روند، اعتماد به استعدادهای جوان و فراهم کردن فرصت حضور در مسابقات مهم ضروری است. مهدی پاشازاده، مدافع پیشین تیم ملی، معتقد است اتفاقی که در بصره رقم خورد، می‌تواند نقطه شروع تغییرات مثبتی در فوتبال ملی باشد.

مهدی پاشازاده در گفت‌وگو با «ایران» با تمجید از عملکرد ملی‌پوشان در این تورنمنت می‌گوید: «۱۰ سال بود که چنین بازی خوبی از تیم ملی ندیده بودم. بازی مستقیم و جذابی را شاهد بودیم و حضور بازیکنان جوانی مثل امیرمحمد رزاقی‌نیا، محمدجواد حسین‌نژاد، گودرزی و حسین‌زاده نشان داد این استعدادها در کنار بازیکنان باتجربه و تشنه موفقیتی مثل سردار آزمون، چقدر خوب می‌توانند بازی کنند. به نظرم روح تازه‌ای به تیم ملی دمیده شد.» مدافع پیشین تیم ملی اعتقاد دارد ارزش قهرمانی ایران را نباید با نام و اعتبار حریفان سنجید و آنچه اهمیت دارد، تصویری است که از آینده فوتبال کشور ارائه شد: «کوچک بودن نام حریفان را نمی‌توان دلیلی بر بی‌ارزش بودن این تورنمنت دانست. نکته مهم، ترکیبی از تجربه، انگیزه و استعداد بود که می‌تواند پشتوانه تیم ملی در روزهای بزرگ پیش رو باشد. بصره برای فوتبال ایران فقط محل برگزاری یک تورنمنت نبود، بلکه فرصتی برای معرفی نسلی تازه بود که می‌خواهد در کنار بزرگان، آینده تیم ملی را بسازد.»

مهدی پاشازاده تعویق اجباری جام ملت‌های آسیا و فاصله ۱۳ تا ۱۴ ماهه پیش رو را فرصتی برای ارزیابی و آماده‌سازی جوانان می‌داند؛ فرصتی که باید با برنامه‌ریزی درست همراه باشد: «حضور در فهرست تیم ملی به معنای جوانگرایی نیست. بازیکن جوان باید فرصت حضور در مسابقه را پیدا کند، نقش مشخصی داشته باشد و در موقعیت‌هایی قرار گیرد که توانایی‌هایش ارزیابی شود. بازیکنی که فقط برای تکمیل فهرست دعوت می‌شود، فرصت چندانی برای اثبات خودش ندارد. فوتبال ایران از نظر استعداد کمبودی ندارد؛ مسأله اصلی شناسایی این بازیکنان و فراهم کردن فرصت کافی برای رشد آنهاست.»

او در ادامه به ضرورت تقویت کادرفنی تیم ملی اشاره می‌کند و اعتقاد دارد قلعه‌نویی برای حضور قدرتمندتر در مسابقات پیش رو باید از مجموعه‌ای قوی‌تر در کنار خود استفاده کند: «اینکه چه کسانی با امیر قلعه‌نویی همکاری کنند تصمیم خودش است، اما به نظرم کادر فنی باید قوی‌تر شود. اگر امکان استفاده از مربی خارجی وجود ندارد، نباید سراغ دستیارانی رفت که سال‌ها رنگ موفقیت را ندیده‌اند. تیم ملی جای تجربه کردن نیست؛ جای بهترین‌هاست.»

حمید درخشان، کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

# قلعه‌نویی نباید از جوانگرایی عقب‌نشینی کند



**گروه ورزشی/** قهرمانی در تورنمنت بصره شاید دستاوردی تعیین‌کننده در کارنامه تیم ملی فوتبال ایران نباشد، اما فرصتی فراهم کرد تا امیر قلعه‌نویی پس از مدت‌ها به نسل جوان اعتماد کند و ترکیبی متفاوت را به میدان بفرستد. این تغییر رویکرد می‌تواند مقدمه‌ای برای پوست‌اندازی تیم ملی باشد؛ اتفاقی که تحقق آن به زمان، برنامه‌ریزی و استمرار اعتماد به استعدادهای تازه نیاز دارد. حمید درخشان، کارشناس فوتبال معتقد است نباید با تغییر اسامی در فهرست تیم ملی محدود شود. به اعتقاد او، باشگاه‌ها و آکادمی‌ها نقش مهمی در پرورش نسل جدید دارند و باید شرایطی فراهم کنند تا استعدادهای جوان فرصت حضور مستمر در مسابقات را به دست آورند. بازیکنی که در باشگاه نیمکت‌نشین است، نمی‌تواند تنها با چند روز تمرین در اردوی تیم ملی به مهره‌ای آماده برای رقابت‌های بین‌المللی تبدیل شود.

درخشان بر ضرورت هماهنگی میان کادرهای فنی باشگاهی و ملی تأکید دارد. شناسایی استعدادها، ارزیابی مستمر عملکرد و اعتماد به بازیکنان جوان باید بخشی از یک برنامه مشخص باشد. تیم ملی نمی‌تواند به‌تنهایی بار این تغییر نسل را بر دوش بکشد و باشگاه‌ها باید سهم خود را در این فرآیند ایفا کنند.

موضوع دیگر از نگاه درخشان، تقویت کادرفنی تیم ملی است. او با اشاره به جدایی آندرانیک تیموریان و هومن افاضلی می‌گوید: «به نظرم نیازی به تغییر سایر نفرات نیست و باید به جای آن، کادر فنی تقویت شود. البته تصمیم نهایی با امیر قلعه‌نویی است. اضافه شدن بازیکنان جوان نیز به انرژی تازه و انگیزه بیشتری از سوی مربیان تیم ملی نیاز دارد.»

او همچنین تأکید می‌کند قلعه‌نویی نباید با نخستین ناکامی احتمالی از مسیر جوانگرایی عقب‌نشینی کند. بازگشت به ترکیب گذشته و کنار گذاشتن استعدادهای تازه می‌تواند این برنامه را متوقف کند. البته جوانگرایی نباید بهانه‌ای برای نادیده گرفتن ضعف‌های فنی باشد. این مسیر به صبر، فرصت و استمرار نیاز دارد و قهرمانی بصره زمانی ارزشمند خواهد بود که آغاز یک تغییر ماندگار در فوتبال ایران باشد.